گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان مستند «استان چهاردهم»

«استان چهاردهم» روایتگر خیانت پهلوی در جدایی بحرین است

■ مصطفی شاه کرمی

مستند «استان چهاردهم» به کارگردانی «محسن کریمیان» موفق شد فانوس بخش حافظه ملی (تاریخ سیاسی) یازدهمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار را به علت «اهمیت موضوع، تدوین مناسب و مستند افشاگرانه علیه پهلوی» دریافت کند. خیانت پهلوی دوم در رابطه با مسئله جدایی بحرین از ایران موضوعی است که در این مستند از زوایای گوناگون و با استناد به سندهای تاریخی و نیز مصاحبه برخی مسئولان آن موقع در وزارت خارجه و دربار پهلوی، به آن پرداخته شده است. «جوان» به بهانه موفقیت این اثر در جشنواره مردمی فیلم عمار با کارگردان آن گفت‌وگو کرده است.

پشت صحنه و عوامل سازنده مستند استان چهاردهم

ظاهراً جشنواره عمار اولین جایی است که مستند «استان چهاردهم» را در آن نمایش دادید و موفق شدید در بخش مستند حافظه ملی (تاریخ سیاسی) فانوس جشنواره عمار را کسب کنید. چطور شد تصمیم گرفتید مستندی را که هنوز برایش مراسم رونمایی نگرفتید به جشنواره عمار بدهید؟

تمام مراحل تهیه و تولید این مستند حدود یک‌سال قبل به اتمام رسیده و آماده نمایش بود، ولی به دلیل شیوع ویروس کرونا نتوانستیم مراسم رونمایی برای آن برگزار کنیم. جشنواره عمار چند سالی است در حوزه پخش به‌ویژه پخش آثار تولیدی بچه‌های انقلابی متمرکز شده و کار می‌کند، به همین علت اولین جایی که توانستیم مستند «استان چهاردهم» را نمایش دهیم جشنواره مردمی فیلم عمار بود. این جشنواره الان هم یک دور اکران ویژه برای آثار برگزیده برگزار کرده که مستند «استان چهاردهم» هم در این اکران ویژه حضور دارد.

بر اساس اطلاعاتی که منتشر شده مستند استان چهاردهم محصول مرکز مستندسازی حوزه هنری است و به تهیه‌کنندگی بنیاد روایت فتح است.

مجری طرح این اثر مرکز مستند حوزه هنری بود و تهیه‌کنندگی آن همانطور که اشاره کردید توسط بنیاد روایت فتح انجام گرفته است. اینجا گلایه‌ای هم کنیم از دوستان روایت فتح که تلاشی برای پخش این مستند انجام ندادند.

کارهای پژوهشی و تولید این مستند چقدر طول کشید؟

از روز اولی که ایده ساخت این مستند به ذهن ما آمد تا روز آخری که کار تدوین و اقدامات فنی نهایی آن انجام شد چیزی حدود دو سال زمان برد. بخش قابل توجهی از این بازه زمانی به بحث اقدامات پژوهشی آن سپری شد که علت آن هم حساسیت و مناقشه برانگیز بودن مسئله جدایی بحرین از ایران است. آن موقعی که ما کار ساخت مستند در باره جدایی بحرین را شروع کردیم هنوز هیچ کاری در این زمینه ساخته نشده بود و هر اثری که توسط گروه‌های دیگر تولید شده است همه بعد از ما بوده که البته آنها موفق شدند کارشان را زودتر از ما به اتمام برسانند و معرفی کنند.

همانطور که خودتان اشاره کردید در رابطه با مسئله جدایی بحرین از ایران آثاری مثل «آسوده بخواب کوروش» ساخته شده است اما شما می‌گویید آنها بعد از شما کارشان را دست گرفتند، علت تطویل و زمان بردن ساخت مستند «استان چهاردهم» چه بود؟

بحث اصلی در این زمینه مربوط به بخش پژوهش کار ما بود و همانطور که گفتم به دلیل مناقشه برانگیز بودن مسئله جدایی بحرین، ما می‌خواستیم یک کار پژوهشی جامع و کاملی را انجام دهیم که در آن به همه جوانب و طرف‌های درگیر مسئله پرداخته شود. علت دیگر طولانی شدن روند ساخت مستند استان چهاردهم از جانب ما این بود که می‌خواستیم با نفرات اصلی که با این ماجرا مواجه بوده یا ارتباط داشته‌اند برویم و گفت‌وگو کنیم. بسیاری از این افراد به دلیل سن و سال بالایی که داشتند دچار بیماری شده بودند و به علت نامناسب بودن شرایط جسمانی‌شان اجازه و وقت مصاحبه به ما نمی‌دادند. مثلاً کسی مثل آقای زندی‌فر که مسئول اداره نهم سیاسی وزارت امور خارجه آن زمان بوده است، اصلی‌ترین شاهد این اتفاق به حساب می‌آیند که ما نزدیک به هشت، ۹ ماه دنبال گرفتن مصاحبه از ایشان بودیم که ابتدا قبول نمی‌کردند اما بالاخره بعد از چندین ماه پیگیری و اصرار ما سرانجام راضی به انجام مصاحبه شدند که متأسفانه به دلیل بیماری مجبور شدیم بیشتر صبر کنیم. به هر ترتیب توانستیم از ایشان مصاحبه بگیریم و آخرین گفت‌وگویی که در مورد بحرین انجام داده‌اند در مستند استان چهاردهم است و بعد از مدتی از دنیا رفتند. نکته جالب درباره مرحوم زندی‌فر این بود که نقطه نظرش در رابطه با مسئله جدایی بحرین از ایران تغییر کرده بود که از جمله نقاط مثبت و حائز اهمیت این مستند است.

منظورتان این است که منتقد این اقدام شده بودند؟

بله، مقداری نقطه نظرش نسبت به گذشته فرق کرده بود چون قبلاً هم در مورد جدایی بحرین با ایشان مصاحبه‌های مکتوبی صورت گرفته بود که صحبت‌هایش با آنچه در مستند ما مطرح کردند متفاوت است و وقتی ما با ایشان صحبت کردیم نکات تازه‌تری را مطرح کردند که فکر می‌کنم این مصاحبه نقطه قوت مستند ما محسوب می‌شود.

چه کسان دیگری در لیست شما بودند؟

ما با اغلب کسانی که درگیر ماجرا بودند مصاحبه کردیم کسانی مثل مرحوم زندی‌فر، آقای یزدی از اعضای حزب پان ایرانیست‌های آن موقع، آقای هوشنگ طالع که در آن روزها نماینده مجلس شورای ملی بودند که استیضاح شدند و در ماجرای بحرین یکی از آن شهودی بودند که ماجرا را به صورت کامل روایت کرده بود. آقای تفرشی به عنوان یک پژوهشگر تاریخ معاصر که روی اسناد و مدارک این ماجرا مدت‌ها کار پژوهشی انجام داده‌اند که نتیجه بخشی از پژوهش‌هایشان را هم در اختیار ما قرار دادند. البته یکسری مصاحبه هم با افراد دیگر گرفتیم که در مستند از آنها استفاده نکردیم.

احساس کردیم اگر راویان ماجرا محدودتر باشند مخاطب همراهی بهتری انجام می‌دهد. فکر کردیم اگر تعداد مصاحبه شونده‌ها زیاد باشد ممکن است به روایت ما ضربه بزنند و به همین علت مصاحبه‌هایی که با یکی دو نفر انجام داده بودیم به دلیل اینکه فکر می‌کردیم در صحبت‌هایشان اطلاعات جالب و تازه‌تری نسبت به بقیه وجود ندارد از آنها استفاده نکردیم.

در رابطه با خیانت پهلوی در مسئله جدایی بحرین از ایران اسناد قابل توجهی وجود دارد، شما غیر از افرادی که گفتید با ماجرا درگیر بودند به چه منابع دیگری مراجعه کردید؟

ما یک کار پژوهشی جامع و کامل را طی شش، هفت ماه انجام دادیم تا جایی که دوستان پیگیر هستند تا همه اسناد و منابع را در قالب کتاب منتشر کنیم.

چقدر این مسئله جدی است؟

خب دوستان ما پیگیر هستند مخصوصاً آقای زینلی که کار پژوهش را ایشان انجام داده‌اند دنبال این موضوع هستند. البته در حال حاضر اطلاع دقیقی از مراحل آن ندارم. مصاحبه‌هایی که با این افراد شده است (مثلاً ما نزدیک به دو ساعت با طرف مصاحبه انجام دادیم اما فقط ۱۰ دقیقه آن در مستند مورد استفاده قرار گرفته است) دوست داشتیم در فضای تاریخ شفاهی و به صورت مکتوب منتشر شوند و در اختیار همه افراد قرار گیرند. بالاخره کسی مثل آقای زندی‌فر از دنیا رفته‌اند و بعد از مصاحبه با ما کس دیگری با او مصاحبه‌ای در رابطه با بحرین انجام نداده است. مشخص است صحبت‌های این شخص به عنوان یکی از مسئولان آن موقع در وزارت خارجه گنجینه‌ای محسوب می‌شود که در کارهای پژوهشی احتمالی آینده می‌تواند مفید باشد علت آن هم این است که ما به دلیل محدودیت زمان نتوانستیم همه حرف‌های مرحوم زندی‌فر را در مستند نمایش بدهیم. البته اینجا این نکته را عرض کنم که بعضی از دستگاه‌ها و بخش‌ها اسنادی از جمله فیلم، عکس و مکتوبات در اختیارشان است اما اجازه دسترسی یا استفاده از آنها را نمی‌دهند. بالاخره وقتی قرار است مستندی ساخته شود به منابع و اسناد تاریخی نیاز دارد و بدون آنها نمی‌شود فیلم یا اثر پژوهشی تاریخی تولید کرد. حالا بخشی از اینها نسبت به اسناد تاریخی به ویژه به اسناد تاریخی که معاصر هستند، نگاه امنیتی دارند. گاهی هم این مسئله به نوع نگاه مدیران یا مسئولانی بستگی دارد که در آن دستگاه حضور دارند و کاملاً سلیقه‌ای رفتار می‌شود.

شاهد مثالی در این رابطه دارید؟

من جایی رفته بودم و یکسری اسناد را دیدم و بین مثلاً یکصد سند گفتم حدود ۱۵ یا ۲۰ تا از این اسناد را نیاز دارم که در کمال تعجب دیدم به طور کل پنج سند را در اختیار ما گذاشتند. نکته جالب قضیه این بود که رفتم و در اینترنت جست‌وجو کردم دیدم همان اسنادی را که به من ندادند دو سال قبل و در نشریه‌ای تمام و کمال چاپ و منتشر کردند! آن موقع شخص دیگری مسئول آنجا بود و نوع نگاهش با مسئولان فعلی آن دستگاه فرق داشت و همه آنها را منتشر کرد، اما مدیر جدیدی که آمد اجازه دسترسی به همان سندها را نمی‌داد! خب معلوم است فقط سلیقه و نگاه مدیر جلوی این کار را گرفته بود و گرنه منع قانونی وجود نداشت چون اگر ملاحظات امنیتی یا قانونی وجود داشت مدیر قبلی آنها را منتشر نمی‌کرد. اینطور اتفاقات نشان می‌دهد سلیقه حاکم است و هیچ نوع پروتکل یا دستورالعملی وجود ندارد که حالا ما بگوییم فلان سند را نمی‌شود منتشر کنند و ما هم قبول می‌کنیم اما واقعیت این است که وجود نگاه امنیتی و اعمال سلیقه در اینگونه مکان‌ها وجود دارد. وقتی کسی می‌رود و طلب سند می‌کند استدلال می‌کنند که معلوم نیست چه کسی یا جریانی پشت ماجراست اما ما از طرف بنیاد روایت به عنوان تهیه‌کننده و حوزه هنری که مجری طرح است نامه زدیم که می‌خواهیم مستندی راجع به جدایی بحرین از ایران و خیانت پهلوی به مردم و کشور بسازیم به ما اعتماد نمی‌شود! اگر اینگونه باشد پس چطور می‌خواهیم به جوانان مستندساز اعتماد کنیم تا بتوانند کاری بسازند؟! حالا ما به دلیل دلسوزی که داریم می‌خواهیم نتیجه پژوهش و اسنادی را که به دست آوردیم در اختیار همگان قرار دهیم.

گزارش بی‌بی‌سی در سال ۱۹۵۶ با نمایندگان بحرین

فکر می‌کنید چنین رفتارهایی چقدر آسیب‌زا هستند؟

ما زمان را فدا کردیم تا بتوانیم به آرشیوهای دست اول دسترسی پیدا کنیم. ممکن است بقیه چنین زمانی را نگذارند، اینجا زمان و وقت مستندساز می‌سوزد. مگر یک شخص چقدر عمر می‌کند و چند کار می‌تواند بسازد که حالا بخش عمده‌ای از زمان و وقتش را صرف گرفتن رضایت برخی مدیران برای دسترسی به منابع و اسنادی کند که اتفاقاً باید در مسیر ساخت آثار مستند مورد استفاده قرار گیرند. بالاخره کی و کجا ما باید به این اسناد استناد کنیم؟! ما مجبوریم برای اینکه خیانت بزرگی مثل جدایی بحرین از ایران که توسط محمدرضا پهلوی صورت گرفته است را روایت کنیم با استناد به اسناد تاریخی حرف بزنیم. بسیاری از مستندسازان جوان وقتی با چنین رویه‌ای مواجه می‌شوند ممکن است کار را رها کنند و بگویند اصلاً نمی‌خواهم در مورد این موضوع کار کنم! این اِعمال سلیقه‌ها و تنگ‌نظری‌ها جزو آفت‌های مستندسازی محسوب می‌شوند که اگر برطرف شوند کارهای خوب و متعددی ساخته می‌شود. متریال ساخت یک مستند همین اسناد و آرشیوهاست که اتفاقاً مردم هم با مشاهده چنین تصاویر و اسنادی است که به دریافت‌های جدید و واقعی می‌رسند. به هر حال ما در این مستند تا آنجایی که توانستیم از منابع دست اول استفاده کردیم.

> می‌خواستیم مخاطب ماجرا را از زبان کسانی بشنود و ببیند که خودشان درگیر آن بوده‌اند و نریشن آن را روایت نمی‌کند. مستند ما روایتی یکپارچه دارد و از نقطه‌ای شروع می‌شود و به‌صورت یک روایت خطی به پایان می‌رسد و به گونه‌ای است که مخاطب می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند و این امتیازی است که در دیگر مستندهای مشابه وجود ندارد

هرمیداس باوند کارشناس روابط بین‌الملل

مرحوم فریدون زندفر رئیس اداره نهم سیاسی وزارت خارجه پهلوی

هوشنگ طالع نماینده وقت شورای ملی

وجه تمایز یا امتیاز مستند چهاردهم با دیگر آثار مشابهی که در این زمینه ساخته شده است چیست؟

یکی از مهم‌ترین امتیازهای مستند استان چهاردهم این است که با شاهدهای اصلی ماجرا مصاحبه کردیم خیلی جاها به جای اینکه از نریشن (صدای روی تصویر) استفاده کنیم از صداهای آرشیوی بهره بردیم. علت آن هم این بود که سندیت کار قوی باشد و می‌خواستیم مخاطب ماجرا را از زبان کسانی بشنود و ببیند که خودشان درگیر آن بوده‌اند و نریشن آن را روایت نمی‌کند. مستند ما روایتی یکپارچه دارد و از نقطه‌ای شروع می‌شود و به‌صورت یک روایت خطی به پایان می‌رسد و به گونه‌ای است که مخاطب می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند و این امتیازی است که در دیگر مستندهای مشابه وجود ندارد. مثلاً کاری که قبلاً در باره بحرین ساخته شده دو بخشی است؛ در بخشی از آن می‌گوید که شاه در جایی نگذاشت تمامیت ارضی از بین برود و در بخش دوم زیر همه چیز می‌زند و بحث خیانت پهلوی در جدایی بحرین از ایران را مطرح می‌کند اما مخاطب در مستند استان چهاردهم شاهد روایتی یکپارچه است که با صحبت شهود و نمایش اسناد، ماجرا را نقل می‌کند و به پایان می‌رساند. ما کار را برای مخاطب تلویزیونی تولید کردیم و به همین علت در بحث تدوین و انجام دیگر مراحل فنی این شاخصه مد نظرمان بود که کار برای مدیوم تلویزیون تولید شود. در این مستند نشان می‌دهیم که شاه دنبال گرفتن ژاندارمی منطقه بوده و بسیار علاقه‌مند بود در دهه ۴۰ این اتفاق بیفتد. گره اصلی ماجرا هم مسئله جدایی بحرین بود که اگر انجام نمی‌شد شاه نمی‌توانست ژاندارمی منطقه را به دست بیاورد برای همین قبول کرد تا در قبال موافقت با جدایی بحرین از ایران این عنوان را کسب کند. ما در این مستند صوت آقای افشار وزیر خارجه وقت را که به شاه پیشنهاد می‌دهد با مانور دادن روی مسئله اتمام منابع مروارید بحرین و دروغ تمام شدن نفت آنجا پروژه ژاندارم شدنش در منطقه را پیش ببرد گنجانده‌ایم که یکی از آن منابع ناب و دقیقی است که از خیانت پهلوی پرده برمی‌دارد. بعد از طرح این دروغ‌ها توسط شاه روزنامه اطلاعات به ابعاد رسانه‌ای آن می‌پردازد و در مقام توجیه و وصله پینه کردن خیانت بزرگ پهلوی برمی‌آید. این از آن نکات قابل اعتنا در مستند استان چهاردهم است که ما به آن پرداخته‌ایم.

حرف پایانی؟

از مسئولان و مدیرانی که در مراکز و مؤسسات نگهداری اسناد تاریخی هستند می‌خواهم به جوانان انقلابی و مستندسازی که در باره برخی حوادث تاریخی دغدغه ساخت آثار افشاگرانه یا روشنگرانه دارند اجازه دهند به اسناد تاریخی دسترسی پیدا کنند و با جلوگیری از هرگونه اِعمال سلیقه شخصی و تسری نگاه امنیتی از سوی افراد مختلف به ساخت مستندهای جذاب و مخاطب‌پسند کمک کنند.

پویایی هنر انقلاب و دفاع مقدس در حراج تهران

اقتصاد در هر کشوری به ویژه در ایران تابعی از سیاست است؛ در هنگامه کنونی به دلایل بسیار از جمله شیوع ویروس کرونا و افزایش تحریم‌های ظالمانه، اقتصادی که سپر مقاومتی بر تن کرده بود با کارزار پرآشوبی مواجه شده که مردم ایران را بیش از پیش تحت فشار قرار داده است. در این وانفسا، اقتصاد هنر که پیش از این هم شرایط مطلوبی نداشت، تحت تأثیر بیشتری قرار گرفته است، به ویژه حوزه هنرهای تجسمی، چراکه هم برپایی بسیاری از گالری‌ها و حراج‌های بین‌المللی تحت تأثیر شیوع ویروس کرونا قرار گرفته و هم در وضعیت داخلی، قیمت ابزار و ادوات هنری سر به فلک کشیده است تا جایی که مدیران و دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ و هنر تصمیم گرفته‌اند تا جایی که می‌توانند مبالغی هر چند اندک در اختیار هنرمندان قرار دهند.

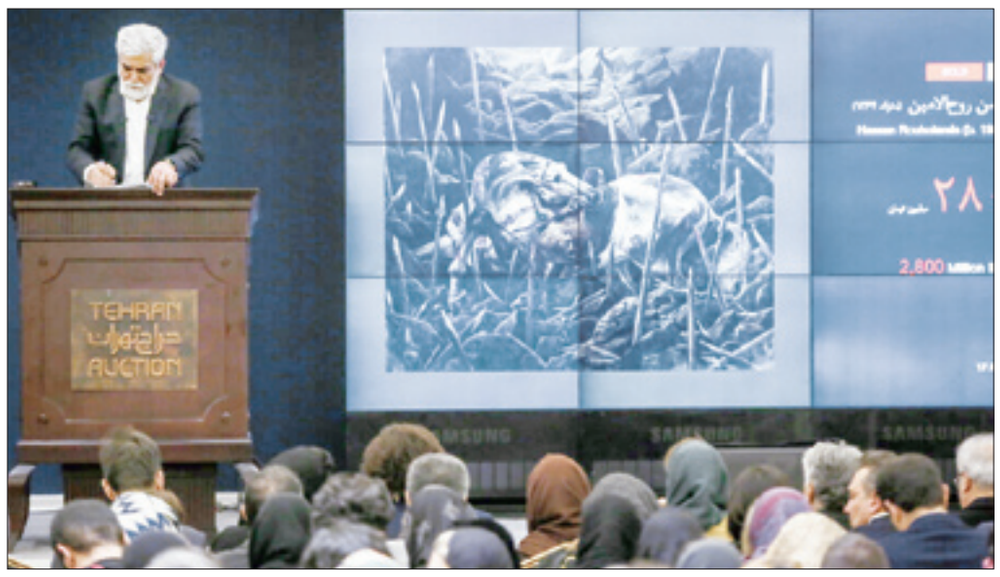

این در حالی است که پیش از این هم وضعیت معیشت بسیاری از هنرمندان نام‌آور شرایط مطلوبی نداشت. چون هنرهای تجسمی، هنری فردی محسوب می‌شود و بیشتر هنرمندان این حوزه اگر چه در زمینه تخصصی هنر خود صاحب سبک و استادند، ولی در زمینه عرضه و فروش آثارشان تخصصی ندارند و از این جهت نیاز به حضور گالری‌ها و حراج‌های هنری دارند تا در بخش عرضه آثارشان به مخاطب آنها را یاری کنند.

در طول یک دهه گذشته گالری‌ها آهسته و پیوسته در زمینه عرضه و نمایش آثار هنرمندان فعالیت داشته و هنرمندان بسیاری از طریق گالری‌ها به جامعه هنری معرفی شده‌اند، اما آنچه نام هنرمندان ایرانی را سر زبان‌ها انداخته و مجموعه‌داران هنری بسیاری را به خرید آثار آنها ترغیب کرده است، رویدادی به نام «حراج تهران» است که توانسته است حتی در شرایط اقتصادی نامساعد ایران یاری‌گر و تسهیل‌گر شرایط اقتصادی هنرمندان با عرضه مناسب آثارشان باشد.

حراج تهران، در عرصه اقتصاد هنر ایران، اتفاقی نوین از سوی بخش خصوصی است که تنها ۱۲ دوره آن در طول ۹ سال گذشته برگزار شده است و در هر دوره این رویداد، آثار هنرمندان تازه‌ای از طیف‌های مختلف وارد حراج شده و به مارکت هنری آنها اعتبار بخشیده است. یکی از اتفاقات ویژه این حراج، پرداختن به هنر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. هنری که بعد از انقلاب اسلامی تولد یافت و در سال‌های جنگ تحمیلی هنرمندان بیشتری را گرد خود جمع کرد و در روزگار صلح نیز به پاسداشت روزهای دفاع مقدس، همچنان شهادت، مقاومت، از جان گذشتگی و ایثار و موضوعات مذهبی، مضامین بسیاری از آثارشان بود.

این مضامین اگر چه مورد احترام قاطبه مردم جامعه بود اما در عرصه اقتصاد هنر جایی نداشت و کمتر خریداری برای خرید چنین آثاری رغبت نشان می‌داد و به همین دلیل آثار این طیف از هنرمندان از سوی نهادهای دولتی و مهم‌ترین آن حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی مورد حمایت قرار می‌گرفت.

با راه‌اندازی حراج تهران و گردهمایی آثار بسیاری از هنرمندان در سبد این حراج، رفته‌رفته آثار هنرمندان موسوم به انقلاب و دفاع مقدس نیز وارد این میدان شدند و در کنار آثار استادان هنر مدرن و معاصر به فروش گذاشته شدند. اکنون بعد از گذشت ۱۲ دوره از حراج تهران، آثار هنرمندان انقلاب و دفاع مقدس بخشی از آثار این رویداد بزرگ را به خود اختصاص داده و بر ارزش مارکت هنری این طیف از هنرمندان افزوده است.

حبیب‌الله صادقی، مرتضی گودرزی، سعید صادقی و روح‌الله امینی از جمله هنرمندانی هستند که آثارشان در دوره‌های مختلف این رویداد عرضه شده و در هر دوره رشد قابل قبولی را پشت سر گذاشته است. یکی از اقدامات قابل توجه حراج تهران در عرضه آثار دفاع مقدس، پرداختن به عکس‌های جنگ تحمیلی است که بخشی از اسناد تصویری برهه‌ای از تاریخ کشورمان محسوب می‌شوند. برای نخستین بار عکسی مربوط به روزهای جنگ تحمیلی اثر سعید صادقی عکاس دوران دفاع مقدس در این رویداد به فروش چشمگیری دست یافت و این نخستین بار بود که عکس‌های دوران جنگ تحمیلی به جریان اقتصاد هنر ایران راه یافته و از بعد اقتصادی نیز ارزش ویژه خود را یافتند. همین عرضه و رونق نسبی خرید و فروش آثار هنرمندان در شرایط تحریم اقتصادی، کمک قابل توجهی از منظر اقتصادی به اهالی این حوزه کرده است. این در حالی است که هنرمندان حوزه تجسمی نه تنها در شرایط بحران اقتصادی بلکه در شرایط عادی کشور نیز ناچار بودند از راه‌هایی غیر از خلق آثار هنری از جمله تدریس و آموزش روزگار بگذرانند و اکنون این حراج شرایطی را فراهم کرده است تا این هنرمندان بتوانند به شکل حرفه‌ای با فروش آثارشان زندگی کنند.

> با راه‌اندازی حراج تهران و گردهمایی آثار بسیاری از هنرمندان در سبد این حراج، رفته‌رفته آثار هنرمندان موسوم به انقلاب و دفاع مقدس نیز وارد این میدان شده و در کنار آثار استادان هنر مدرن و معاصر به فروش گذاشته شدند

نکته مهم این که چنین رویدادی نه تنها از سوی بخش خصوصی و بدون هیچ چشمداشتی به حمایت‌های مالی دولت برگزار می‌شود بلکه با وجود معافیت از پرداخت مالیات، هر دوره مالیات این رویداد به دولت پرداخت شده است. این در حالی است که حمایت از این رویدادهای فرهنگی - هنری از وظایف دولت‌هاست و کمترین حمایت نیز معافیت مالیاتی است.

شرایط اقتصادی کشور، وضعیت کنونی شیوع کرونا و تحریم‌های سخت‌تر و ظالمانه قابل درک است و طبیعی است در این شرایط و به صورت طبیعی منابع بودجه دولت به نیازها و اولویت‌های دیگری تعلق گیرد. با این وجود باید یادآور شد بی‌تعارف دولت توان برگزاری چنین رویدادهایی را ندارد و تجارب دولتی در این زمینه با شکست مواجه شده است که شاهد آن برگزاری اکسپو هنرهای تجسمی است که نتایج تأسف‌باری را به همراه داشت، به طوری که نهادهای دولتی نه تنها خود را ملزم به خرید آثاری ندیدند بلکه هیچ علاقه‌ای برای هزینه کردن از محل بودجه عمرانی خود برای خرید آثار هنری نیز نشان ندادند و در نهایت همان اندک آثار رزرو شده از اکسپو را نیز پس فرستادند.

این اتفاق اسفبار در شرایطی رخ داد که بر اساس مصوبه خود دولت، باید درصدی از بودجه عمرانی دستگاه‌های دولتی برای خرید آثار هنری اختصاص می‌یافت، مصوبه‌ای که بی‌آن که رنگ اجرا به خود گیرد، بایگانی و به فراموشی سپرده شد.

ناگفته پیداست ایران در زمینه برگزاری حراج هنری یا به عبارت بهتر اقتصاد هنر فاصله بسیاری با کشورهای توسعه‌یافته دارد؛ برخی کشورها دست‌کم ۲۵۰ سال سابقه برگزاری حراج‌های مختلف هنری را دارند و ما تنها ۹ سال! بله درست خواندید تنها ۹ سال حراج تهران فعالیت خود را در میانه‌ای از مخالفت‌ها آغاز کرده است. این رویداد هر چند در مقیاسی بسیار کوچک اما با رعایت همه استانداردها توانسته است در طول دوره‌های متوالی رونق بخش اقتصاد این حوزه باشد.

حتی این رونق نتوانسته است اهرم مخالفت را از بهانه‌جویان بگیرد. آنها با دستاویز قرار دادن وضعیت کلی معیشت مردم، مخالف وجود این رویداد هستند بی‌آن که پاسخ دهند آیا با تعطیلی حراج تهران کمکی به معیشت عمومی مردم می‌شود یا اینکه بخش دیگری از همین مردم یعنی جامعه هنرمندان تجسمی نیز دچار وضعیت ناگوار اقتصادی می‌شوند؟!

هنرمند همواره مسئولیت‌پذیر بوده و تعهد خود را به اشکال مختلف به منصه ظهور رسانده است چه آنهایی که دغدغه‌های اجتماعی مردم را در آثارشان به نمایش می‌گذارند یا آنهایی که درآمد کسب شده از فروش آثار خود را به کارهای خیریه و اجتماعی اختصاص می‌دهند، به همین دلیل می‌توان «مسئولیت اجتماعی» را از جمله مهم‌ترین کارکردهای حراج تهران برشمرد.

هر چند این گزاره نه چندان درست در ذهن برخی مردم وجود دارد که وضعیت اقتصادی هنرمندان ایده‌آل است، اما آنها که تجربه‌ای در این وادی دارند به خوبی می‌دانند روزگار بر بسیاری از آنها سخت دشوار است. به طور کلی جامعه هنرمندان و به ویژه حوزه هنرهای تجسمی جزو طبقه متوسط به شمار می‌روند. البته موارد استثنا، نافی قاعده کلی نیست و در هر صنفی می‌توان افراد شاخص و دارای امکانات مالی بالا را مثال زد.